

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال سوم، شماره ۱۲، تابستان ۱۳۹۰
صفحات: ۱۷۵-۱۹۸
تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۰/۳/۲۵

جهانی شدن و برنامه‌ریزی توسعه در ایران (۱۳۶۸-۱۳۹۰)

دکتر رضا شیرزادی* / الهام سخایی**

چکیده

جهانی شدن^۱ را می‌توان رایج‌ترین مفهوم، بعد از دهه ۱۹۹۰ میلادی نزد اندیشمندان در اکثر شاخه‌های علوم به ویژه علوم انسانی دانست. تغییر شرایط جهانی در ابتدای قرن بیست و یکم، همه کشورها را به بازنگری در بینش جهانی و اصلاح و تعدیل ساختار اقتصادی وا داشته است. در شرایط کنونی نظام جهانی، درک واقعیت بین‌الملل و سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی بر اساس وضعیت جهانی شدن، اولین گام در جهت تداوم حیات سیاسی و اقتصادی کشورهاست. روند جهانی شدن در بسیاری از ابعاد زندگی امروز تأثیر گذاشته است. یکی از زمینه‌های تأثیرگذاری آن را می‌توان در نظام برنامه‌ریزی کشورها دانست. پژوهش حاضر به تأثیر بعد اقتصادی فرآیند جهانی شدن بر تدوین پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۰ می‌پردازد. در روند این پژوهش؛ ابتدا مفاهیم، شاخص‌ها، ابعاد و دیدگاه‌های صاحب نظران در خصوص پدیده جهانی شدن و ارتباط آن با توسعه اقتصادی و تأثیر برنامه‌ریزی اقتصادی در روند توسعه و سپس سیاست‌ها، اهداف و موادی از قوانین پنج برنامه توسعه پس از انقلاب اسلامی که متأثر از شاخص‌های جهانی شدن است، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها

جهانی‌شدن، برنامه‌ریزی، آزادسازی اقتصادی، تعامل با اقتصاد جهانی، نظام برنامه‌ریزی در ایران.

Shirzadi83@yahoo.com
Sakhaee2002@yahoo.com
۱- Globalization

* عضو هیأت‌علمی و استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج
** کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

تحولات بین‌المللی پس از خاتمه جنگ سرد، گسترش و عالم گیر شدن فزاینده فرآیند جهانی شدن، مبتنی بر مؤلفه‌های نولیبرالیسم است. پذیرش برنامه‌های نولیبرالی، تثبیت اقتصادی و تعدیل ساختاری، باز بودن درهای کشور به روی بازارها، سرمایه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها، فن‌آوری، ایجاد ساختارهای قانونی مقوم توسعه ملی برون‌گرا و تعامل با جهان، ایجاد زیر ساخت‌های ضروری توسعه و... از جمله وظایف یک حکومت توسعه‌گرا با رویکرد جهانی است. بر این اساس، توسعه و پیشرفت اقتصادی بیش از هر زمان دیگری به کانون توجه و محور برنامه‌های ملی کشورها تبدیل شده است. در عین حال به نظر می‌رسد گریزی از پیوستن به وجه غالب نظام بین‌الملل کنونی، یعنی توسعه اقتصادی در چارچوب فرآیندهای جهانی شدن و اصول اقتصاد سیاسی بین‌الملل بازار-محور نیست، باید برای تداوم توسعه اقتصادی به مسئله توزیع متوازن فواید حاصل از توسعه در چنین نظامی، هم در سطح ملی و هم بین‌المللی توجه نمود. وظیفه اصلی حکومت‌ها در فضای جهانی شدن، ایجاد زمینه‌های لازم برای پیوستن اقتصاد به نحوی است که هماهنگی ایجاد شده بین این دو بتواند منابع و امکانات جهانی ضروری برای توسعه ملی را فراهم کند.

جهانی شدن اقتصاد با ارزش‌ها و هنجارهایی که دارد، نوعی روابط اقتصادی را فراهم آورده که همه دولت‌ها از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران را نسبت به فرآیندهای اقتصادی جهانی متأثر ساخته است. شرط توفیق برنامه‌های کلان توسعه ملی، تعامل سازنده میان توسعه ملی با روندها و جریان‌های اصلی جهانی است. در این شرایط، برنامه کلان توسعه ملی برای تحقق و موفقیت، نیازمند آشتی با جریان‌های اصلی نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل و استفاده از امکانات جهانی است چرا که این‌گویی توسعه، مبتنی بر تعامل و وابستگی متقابل است. در ایران نیز در دوره پس از انقلاب (از سال ۱۳۶۸ به بعد) آغاز برنامه‌ریزی برای توسعه، همزمان با آغاز و گسترش فرایند جهانی شدن است که تأثیر خود را نیز بر روند تدوین، اصول و اهداف برنامه‌ها گذاشته است. در حقیقت نیازها و ضرورت‌های داخلی پس از جنگ هشت ساله و الزامات بین‌المللی (جهانی شدن) موجب شد که روند تدوین برنامه‌های توسعه براساس چارچوب نوینی

صورت گیرد. در این پژوهش عمدتاً تأکید بر تأثیر وجه و عامل مؤثر بین المللی بر روند نظام برنامه ریزی در ایران طی سالهای ۱۳۶۸-۱۳۹۰ می‌باشد.

گفتار اول: کلیاتی در باب جهانی شدن

الف) مفهوم جهانی شدن

پراتون^۱، جهانی شدن را فرایندی از تحول می‌داند که مرزهای سیاسی و اقتصادی را کمرنگ کرده، ارتباطات را گسترش داده و تعامل فرهنگ‌ها را افزون می‌نماید. به نظر وی جهانی شدن پدیده‌ای چند بعدی است که آثار آن قابل تسری به فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی و فناوری است و همچنین فعالیت‌های اجتماعی همچون محیط‌زیست را متأثر می‌کند (بهکیش، ۱۳۸۰: ۲۴) و به نظر مالکوم واترز جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قید و بندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده از کاهش این قید و بندها آگاه می‌گردند (واترز، ۱۳۷۹: ۱۲). برخی دیگر جهانی شدن را معادل «غربی‌سازی»^۲ یا «نوسازی»^۳ به‌ویژه در شکل آمریکایی آن دانسته‌اند. در این معنا جهانی شدن پویایی است که طی آن ساختارهای اجتماعی مدرنیته (سرمایه داری، عقلگرایی، صنعتی شدن، دیوانسالاری و...) در سرتاسر جهان گسترش می‌یابد و فرهنگ‌های قدیمی و بومی نابود می‌گردند. در این معنا است که گاهی جهانی شدن را امپریالیسم «مک دونالد»، «هالیوود» و «سی.ان.ان» نام نهاده‌اند. البته این تعبیر بیشتر در مباحث مربوط به امپریالیسم استعماری مطرح می‌گردد که در این زمینه جهانی شدن را با فرایند همگون‌سازی مرتبط می‌دانند. «مارتین خور»^۴ معتقد است که جهانی شدن در این معنا، همان چیزی است که چندین قرن در جهان سوم «مستعمره سازی»^۵ خوانده می‌شد (خور، ۱۳۸۳: ۲۳-۱۹).

۱ Perraton

۲- Westernization

۳- Modernization

۴- Martin Khor

۵- Colonization

بسیاری از تعاریف ارائه شده برای جهانی شدن تقلیل گرایانه‌اند و معمولاً در برگیرنده کلی گویی‌های فراگیری درباره منسوخ شدن قلمرو داری هستند، درباره مبنای اقتصادی مناسبات جهانی اغراق می‌کنند یا بر انقلاب اطلاعات به مثابه ویژگی تعریف کننده این پدیده، تکیه دارند. جهانی شدن چیزی بیش از گسترش عمل و معنای اجتماعی در سراسر فضای جهانی نیست که در آن، خود مفهوم «فضای جهانی» تعریف تاریخی متغیری دارد که از نظر پدیدار شناسی از طریق زمان جهانی متغیر، تحقق یافته و شناخته شده است. بنابراین، جهانی شدن روندی چند لایه و ناهمگون است که شکل‌های متفاوتی در گذر می‌یابد. جهانی شدن وضع مشخصی نیست. جهانی شدن یعنی دامن گستری رویه‌ها، اندیشه‌ها و حساسیت‌های جاری در سراسر فضای جهانی که به صورت شیوه‌های عمل اجتماعی در عرصه تولید، مبادله، تحقیق، سازمان دهی و ارتباطات الگو یافته‌اند.

در خصوص جهانی شدن این اجماع نظر وجود دارد که روند مزبور به افزایش ارتباطات، رفت و آمدها و روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی میان جوامع مختلف اشاره دارد. جهانی شدن شامل طیف گسترده‌ای از تعاملات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که تأثیرات چشمگیری بر همه انسانها و دولت‌ها می‌گذارند. مفهوم جهانی شدن در بعد اقتصادی آن، به معنای سازماندهی مجدد فضای تولید، ادغام صنایع موجود در فراسوی مرزها و گسترش بازارهای مالی است. از نظر فرهنگی، جهانی شدن به گسترش جهانی کالاهای مصرفی، نهادهای سرگرم کننده و عوام پسند اشاره دارد. بالاخره، در بعد سیاسی، جهانی شدن بر خواست و تمایل گسترده مردم برای نیل به دموکراسی مبتنی است.

از نظر موافقان جهانی شدن، این پدیده موجب سرعت یافتن انتقال تکنولوژی و بهبود استاندارد زندگی، تبادل اطلاعات و تجربیات با سرعت بالا، کاهش نفوذ دولت‌های اقتدارگرا و افزایش روندهای جهانی دموکراسی و حقوق بشر، تولید کالاها توسط کشورها بر اساس مزیت نسبی، افزایش رشد اقتصادی کشورها و به تبع آن، افزایش رفاه عمومی و سرمایه گذاری‌های خارجی در کشورهای توسعه نیافته و افزایش اشتغال می‌شود. اما از دیدگاه مخالفان جهانی شدن، این پدیده عامل اکثر مشکلات جهان است که از آن جمله می‌توان به مواردی همچون افزایش نابرابری‌ها و ناامنی‌های اقتصادی، تخریب محیط زیست، افزایش قدرت شرکت‌های چند

ملیتی و تهدید حاکمیت و استقلال ملی، گسترش بیکاری و فقر و حاشیه‌ای شدن کشورهای توسعه نیافته اشاره نمود.

ب) ابعاد جهانی شدن

جهان ابتدای قرن بیست و یکم، جهانی است که در آن، خویشتن هر جامعه و هر گروه اجتماعی با کلیت‌های فراگیر در جهان معنا و مفهوم می‌گیرد. در حوزه اقتصاد و تجارت همه مباحث به نوعی به فرآیندهای جهانی مربوط می‌شود. در حوزه سیاست که از رژیم‌های جهانی امنیتی و بسط جهانی حقوق بشر و دموکراسی یا چالش‌های جهانی مانند بنیاد گرایی، تروریسم و محیط‌زیست صحبت می‌شود و در حوزه فرهنگ که سخن از درهم آمیختگی هویت‌های محلی و جهانی است و همچنین با گسترش روز افزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و نیز بسط جهانی هنرها و الگوهای فرهنگی خاص، درک و فهم پدیده‌های فرهنگی پیوند عمیقی با روند جهانی داشته است. به همین جهت ابعاد جهانی شدن در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ قابل بحث و بررسی می‌باشد.

۱- جهانی شدن اقتصادی

از دهه ۱۹۶۰ که برای اولین بار اصطلاح جهانی شدن در فرهنگ لغت آکسفورد وارد شد، به‌عنوان فرآیندی اقتصادی شناخته شد. فرآیندی که در آن، به تدریج پدیده‌ها و روابط اقتصادی جنبه جهانی می‌یابد. از آن پس در دانش اقتصاد به خصوص در اقتصاد سیاسی، سیاست، و حقوق بین‌الملل به یک موضوع محوری تبدیل شد و تا به امروز بسیاری از نظریه‌های مربوط به جهانی شدن، ماهیت اقتصادی دارند به گونه‌ای که ابعاد سیاسی و فرهنگی این فرآیند تحت تأثیر بعد اقتصادی قرار دارد. افزایش بازرگانی بین‌المللی، جهانی شدن تولید، رشد بالاتر تجارت نسبت به تولید، جریان سرمایه‌گذاری خارجی از جمله مشخصه‌هایی هستند که نشان می‌دهد تحولات اقتصادی جهان در دهه‌های اخیر ابعاد جدیدی پیدا کرده است. به علاوه، بین‌المللی شدن خدماتی چون بانکداری، بیمه، حسابداری، حسابرسی، بازاریابی، بازار رسانی، تبلیغات و

ارتباطات زمینه‌های ادغام بیشتر اقتصادها را فراهم کرده است. در این میان شرکت‌های چند ملیتی نیز در گسترش فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهان نقش قابل توجهی دارند. روند رو به گسترش جهانی شدن را می‌توان با انواع مختلف شاخص‌ها نشان داد که عمده‌ترین آنها به شرح ذیل می‌باشند:

۱-۱- رشد کند تولیدات جهانی در قیاس با رشد سریع تجارت جهانی کالا

عملکرد توسعه تجارت نیز به عنوان یک شاخص جهانی شدن اقتصادی در سال‌های بعد از جنگ نشان می‌دهد که صادرات کالاها و خدمات از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ از ۲۴۷۱ میلیارد دلار به ۱۲۸۲۲ میلیارد دلار یعنی تقریباً ۵/۲ برابر افزایش یافته است. در صورتی که تولید جهانی از ۱۱۷۸۱ میلیارد دلار به ۴۴۷۴۵ میلیارد دلار در طی این مدت افزایش یافته و ۳/۸ برابر شده است. در طی سال‌های دهه ۱۹۹۰ تجارت جهانی به طور متوسط سالانه ۶/۱ درصد رشد داشته که این میزان رشد، به صورت سالانه همواره بیشتر از رشد جهانی تولید بوده است. به علاوه رشد فراتر تجارت نسبت به تولید در سال‌های اخیر به جز سال ۲۰۰۱، در سال‌های بعد تداوم یافت طوری که در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ ارزش تجارت کالاها و خدمات به ترتیب ۲۵/۵ و ۲۹/۲ تریلیون دلار بوده است (IMF, ۲۰۰۷).

۱-۲- رشد نسبت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی

کشورها

ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشورهای طی دهه‌های اخیر به شدت افزایش یافته و روند رو به رشدی داشته است. موجودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وارد شده به کشورها از ۶۴۷ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۲ به ۱۰/۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده است. سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص جهان نیز روند مشابهی را نشان می‌دهد و از ۴ درصد در دوره ۱۹۸۵-۹۵ به ۱۶/۳ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایش یافته است. روند مشابهی نیز در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود، بدین معنی که حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از متوسط ۵۰/۷ میلیارد دلار طی دوره ۱۹۸۵-۹۵ به بیش از

۲۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته و سهم آن در تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی این کشورها به ترتیب از ۴/۷ درصد به ۱۳/۸ درصد بالغ گردیده است (Unctad, ۲۰۰۴).

۳-۱- کاهش محدودیت‌ها و افزایش درجه باز بودن بازارهای تجاری و مالی

تجارت آزاد موجب شکل‌گیری نظام تولید کشورها بر پایه مزیت نسبی شده و به تبع آن، از منابع موجود در کشورها به نحو کاراتری استفاده می‌شود. اگر کشوری موانع تجاری خود را کاهش دهد، منافع اقتصادی آن نه تنها به طرف های تجاری آن کشور می‌رسد، بلکه خود آن کشور نیز از این کاهش منتفع می‌گردد، چون مصرف‌کنندگان به کالاهای بهتر و ارزان‌تری دسترسی پیدا می‌کنند، تولیدکنندگان نیز تحت فشار رقابتی، کارایی بیشتری پیدا می‌کنند. آزادسازی باعث گردش سریع منابع مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود که علاوه بر آنکه قابلیت تولید کالاها و خدمات در کشور جذب‌کننده سرمایه را بالا می‌برد، یک منبع درآمد اضافی برای کشور میزبان نیز محسوب می‌شود. افزون بر این، باعث انتقال تکنولوژی و مهارت‌های مدیریتی شده و بازاریابی برای محصولات تولیدی در کشور را آسان‌تر می‌کند و باعث توسعه بازارها در ماورای مرزهای ملی می‌شود. اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۴ به دلیل سیاست‌های اقتصاد کلان، بهبود توازن‌ها و شرایط بازار حمایتی مالی، بسیار قوی بود. جهان در سال ۲۰۰۴ در مقایسه با دهه گذشته، شاهد بیشترین نرخ رشد (۵/۳) بوده است. علاوه بر رشد اقتصادی، درآمد سرانه در اغلب مناطق جهان، افزایش معنی‌داری داشته است (IMF, ۲۰۰۷).

۴-۱- افزایش همگرایی اقتصادی در عرصه جهانی

حرکت کشورهای در حال توسعه به سمت ایجاد فضای باز اقتصادی و ادغام در اقتصاد جهانی نتایج مختلف را به بار آورده است. تعدادی از این کشورها با بهره‌گیری مناسب از امکانات فراهم شده، موفق شدند به نرخ‌های رشد اقتصادی بالاتری دسترسی پیدا کنند و در حال حاضر در زمره کشورهای تازه صنعتی شده قرار گرفته‌اند. بهترین نمونه این کشورها؛ ژاپن، کره جنوبی، تایوان، هنگ کنگ و سنگاپور هستند که علیرغم مشکلات بازارهای مالی در سال ۱۹۹۷، در ردیف کشورهای پردرآمد قرار گرفتند. تجربه ژاپن و کره جنوبی نشان داده است که این کشورها طی دوره صنعتی شدن و رشد سریع اقتصادی، سیاست‌های خود را اتخاذ کرده‌اند

که کاملاً مخالف موارد توصیه شده توسط سازمان های مالی چند جانبه است. برای مثال در دوره مربوطه، دو کشور کنترل وسیعی بر واردات اعمال کردند و از سرمایه گذاری خارجی حمایت نکردند و یک سیاست صنعتی داخلی قدرتمند را در پیش گرفتند و در حال حاضر شاهد بالا رفتن سطح زندگی مردم می باشند.

۱-۵- ادغام و تملک شرکت های خارجی

طی سال های ۲۰۰۰-۱۹۹۱ حجم ادغام و تملک شرکت های خارجی در جهان از ۸۰ میلیارد دلار به ۱۱۴۳ میلیارد دلار بالغ گردیده و در کشورهای در حال توسعه این رقم از ۳/۲ میلیارد دلار به ۴۸/۴ میلیارد دلار افزایش یافته است.

۱-۶- اهمیت روزافزون شرکت های فراملی

بنا بر گزارش آنکتاد در سال ۲۰۰۰، از میان یکصد واحد اقتصادی بزرگ جهان، ۲۹ واحد را شرکت های فراملی تشکیل می دادند. طبق این گزارش شرکت اکسون با ۶۳ میلیارد دلار ارزش افزوده در مقام چهل و پنجم و هم طراز با کشورهای شیلی و پاکستان است.

۱-۷- تحول و توسعه فناوری اطلاعات

گسترش فناوری اطلاعات گرچه خود یکی از عوامل تسهیل و تسریع کننده روند جهانی شدن به شمار می آید، لیکن گسترش استفاده از آن در کشورهای جهان، به عنوان یکی از شاخص های جهانی شدن مطرح گردیده است. در این رابطه، شاخص هایی نظیر تعداد کاربران اینترنت، حجم مبادلات الکترونیکی در تجارت جهان و گسترش استفاده از ماهواره ها و تلفن های همراه، قابل طرح هستند. توسعه استفاده از فناوری اطلاعات نه تنها در زمینه های اقتصادی و بازرگانی، بلکه به زمینه هایی همچون علوم و تحقیقات، اطلاع رسانی، آموزش و غیره نیز ماهیتی فراملی داده است.

به طور کلی با افزایش همگرایی اقتصادی در عرصه جهانی، ظهور نظام اجتماعی- اقتصادی سرمایه داری از سرعت و شتاب فزاینده ای برخوردار شده که این امر بسیاری از فعالیت های اقتصادی را به شبکه اقتصاد جهانی متصل کرده است. روند اقتصاد جهانی، هم فرصت و هم

تهدید پدید آورده است. آنهایی که از این شرایط بیشتر استفاده کرده‌اند، به سرعت موفق، و آنهایی که ساختارهای داخلی شان با آن ناهماهنگ بوده، دچار مخاطره شده‌اند.

۲- جهانی شدن سیاست

جهانی شدن سیاسی فرآیندی است که به واسطه آن، امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از حصار تنگ و محدود حاکمیت ملی رها می‌شوند و انسان‌ها خود را در معرض تأثیر متغیرهای متعدد و به ویژه فراملی می‌بینند. جهانی شدن سیاسی اگرچه هنوز در مراحل اولیه خود قرار دارد، اما در حال گسترش است.

روند جهانی شدن موجب تحول حاکمیت ملی شده و در ابعاد گوناگون کاهش ظرفیت دولت‌ها در اعمال حاکمیت ملی را به دنبال آورده است؛ چنان که تحولات فناوری در زمینه ارتباطات الکترونیک و ارتباطات جمعی، در نهایت گردش آزاد اطلاعات را تسهیل کرده و از توانایی دولت‌ها در کنترل افکار عمومی به میزان قابل توجهی کاسته است. در امور اقتصادی، رشد فزاینده بازارهای مالی و فراملی، ادغام اقتصادی کشورها و گسترش مناسبات بازار آزاد به نحو چشمگیری آزادی عمل دولت‌ها را در کنترل فعالیت‌های اقتصادی محدود ساخته است. در زمینه سیاسی نیز رشد سازمان‌های بین‌المللی، فرادولتی و فراملی و کمرنگ شدن مرز بین سیاست داخلی و خارجی، آزادی عمل دولت‌های ملی را به میزان قابل توجهی محدود کرده است.

یکی دیگر از ابعاد سیاسی جهانی شدن، جهانی شدن الگوی دموکراسی و حقوق بشر است. نه اینکه در تمام جهان امروز، دموکراسی و حقوق بشر اشاعه یافته و حاکم شده، بلکه ارزش‌های ذاتی آن بعنوان ارزش‌هایی که پذیرش جهانی یافته‌اند، جهانی شده‌اند. دموکراسی در هر کشور، مدل خاصی است اما در همه آنها مدرنیته و دستیابی به حقوق اولیه انسان‌ها یعنی آزادی و برابری، مشترک است. هیچ حکومت توتالیتر و اقتدارگرایی قادر به پاسخگویی به شهروندان خود نخواهد بود.

جهانی شدن سیاست باعث شکل‌گیری استانداردهای جهانی حقوق بشر و حقوق مشارکت سیاسی شهروندان و فراگیری جهانی حقوق بشر سبب افزایش خواست و آگاهی شهروندان به مشارکت سیاسی و برخورداری از حقوق اساسی خویش می‌شود (شیرزادی، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۴). به‌طور کلی جهانی شدن در بعد سیاسی بر ماهیت دولت و تحول آن، مفاهیم شهروندی و هویت ملی، حاکمیت و قدرت سیاسی دولت‌های ملی، جابجایی قدرت دولت‌های ملی، روند دموکراسی، تحول نقش اقتصادی دولت‌ها، ایجاد دولت‌های چند لایه، نهادهای ملی و بالأخره نقش مدیریتی دولت‌ها به شدت تأثیر گذار بوده است.

۳- جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن فرهنگ، حرکت اندیشه‌ها و اطلاعات و ذهنیت‌های خلاق افراد و جوامع است که در پیکره‌ای از آثار هنری، نهضت‌های فکری و اندیشه‌ها متجلی می‌شود و حتی گفتمان‌های تخصصی در حوزه‌های هنری و فکری، تولیدات صنایع فرهنگی، شیوه‌های بیانی و مدل‌های زندگی روزمره، شیوه‌های ارتباطات و غیره را در بر می‌گیرد. جهانی شدن باعث گسترش فرهنگ‌ها و اندیشه‌های مختلف در سراسر جهان شده و این در حالی است که پایگاه‌های کنترل کننده ارتباطات، کارآیی خود را از دست داده‌اند و دولت‌ها دیگر نمی‌توانند اتباع خود را در مقابل سیل اطلاعات جهانی نگه دارند. در این دوره، برخلاف گذشته که دولت‌ها و رهبران مذهبی نقشی اساسی در جهانی شدن فرهنگ داشته‌اند، تولید و ترویج فرهنگ بر عهده شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ است (نهاداندیان، ۱۳۸۳: ۳۱).

در حالی که صدها کانال تلویزیونی ماهواره‌ای در تمامی نقاط جهان دریافت می‌شود، فرهنگ‌ها از طرق گوناگون امکان مبادله و تعامل بیشتری می‌یابند و هویت‌های فرهنگی نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. اینترنت و ماهواره هر روز هزاران نشانه و میلیون‌ها اطلاعات جدید را به انسان‌ها و نخبگان جوامع مختلف عرضه می‌کنند و از این طریق، اندیشه‌ها و ارزش‌های آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. گروهی گسترش جهانی فرهنگ مبتنی بر حقوق بشر را جوهر اصلی جهانی شدن فرهنگ می‌دانند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۵۸) و گروهی نیز گسترش فروشگاه‌هایی مانند مک دونالد، کوکاکولا، موسیقی پاپ، فیلم‌ها و مجلات آمریکایی، مدل‌های اروپایی و لباس‌های جین را شاخص‌های جهانی شدن فرهنگ و شاید غربی شدن می‌دانند و عده‌ای نیز

گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، جریان مهاجرت انسان‌ها و صنعت توریسم که به هم پیوستگی فرهنگی فزاینده‌ای را در سراسر جهان بوجود آورده است، می‌پندارند. امروزه، برای همه کشورهایی که در زمره جهان سوم یا کشورهای توسعه نیافته در فرایند توسعه اقتصادی جای گرفته‌اند، به خوبی مشخص شده است که بنا به دلایل متعددی، نظیر محدودیت منابع و بازارها، شکاف عمیق تکنولوژی، وجود انحصارات، بحران توسعه نیافتگی، تولید کالاهای عمومی، تحت سلطه بودن این کشورها و انعطاف‌ناپذیری شدید تولید در اقتصاد یا به عبارت دیگر نارسایی بازار، برنامه‌ریزی بیش از هر زمان ضرورت می‌یابد. برنامه‌ریزی مناسب و تصمیم‌گیری‌های حساب شده، نقش مؤثری در تسریع امر توسعه ایفا می‌کند. موفقیت در گذر تاریخی جهان کم توسعه یافته و چاره‌جویی عقب‌ماندگی اقتصادی جز در سایه برنامه‌ریزی صحیح و منسجم دولت امکان پذیر نیست.

گفتار دوم: توسعه و برنامه‌ریزی

الف) مفهوم توسعه

توسعه، خواه ناظر بر پیشرفت جامعه‌های اروپایی بعد از رنسانس و انقلاب صنعتی باشد و خواه ناظر به گذار کشورهای جهان سوم از مرحله جامعه‌های سنتی به جامعه‌های صنعتی، اصطلاحی است که برای یک تحول جدید و بی‌سابقه وضع شده است؛ تحولی که زندگی مرفه‌تری را از نظر مادی فراهم می‌کند و از لحاظ نهادینه‌بودن، جدیدتر است و از نظر فناوری، کارآتر. به‌طور کلی توسعه یعنی فرآیند بهبود با توجه به مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معیارها یا ارزش‌ها. به عبارت دیگر، ایجاد شرایط مساعد برای تبدیل ظرفیت‌های بالقوه به امکانات بالفعل، در گرو توسعه می‌باشد (قره‌باغیان، ۱۳۷۰). توسعه جریانی است که در خود تجدید سازماندهی، اصلاح سیاست‌گذاری و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی- اجتماعی کشور را به همراه دارد و علاوه بر بهبود وضع درآمدها و تولید، آشکارا شامل تغییرات بنیادی در ساخت‌های نهادی، فکری، سیاسی، اجتماعی، اداری و همچنین آداب و رسوم و اعتقادات است. بنابراین، توسعه دارای ابعاد مختلف است و در برگیرنده توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی است که بر هم اثر می‌گذارند. اگر تعریف توسعه تا حدودی

پیچیده به نظر می‌رسد، به دلیل این است که ما در دنیایی پیچیده و به هم وابسته زندگی می‌کنیم.

توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد: اول، افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه‌کنی فقر و دوم، ایجاد اشتغال که هر دوی این اهداف در راستای عدالت اجتماعی است. در کشورهای توسعه یافته، هدف اصلی، افزایش رفاه و امکانات مردم است در حالی که در کشورهای عقب مانده، بیشتر ریشه کنی فقر و افزایش عدالت اجتماعی مد نظر است. برخلاف گذشته (سال‌های دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰) که کشورها آزادانه استراتژی‌های توسعه اقتصادی خود را بدون ارتباط با اقتصاد بین‌الملل، براساس یک نگرش درون‌گرا آماده و پیگیری می‌کردند، در عصر جهانی شدن چنین امکانی برای کشورها فراهم نیست و می‌توان گفت که مسیر توسعه اقتصادی از جاده اقتصاد جهانی می‌گذرد و اساساً رویکرد درون‌گرا در عرصه اقتصاد، به توسعه اقتصادی نخواهد انجامید. این تجربه‌ای است که بدون استثناء همه کشورهای موفق در حال توسعه در دهه‌های اخیر، بر آن را گواهی داده‌اند.

ب) برنامه‌ریزی اقتصادی

برنامه ریزی اقتصادی، کوششی سازمان یافته و آگاهانه برای انتخاب بهترین وسایل ممکن به منظور دستیابی به هدف یا هدف‌های معین اطلاق می‌شود. برنامه‌ریزی حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب یا به تلاش آگاهانه و سازمان یافته معین جهت نیل به اهداف مشخص است. تمامی کشورها با هر نوع نظام اقتصادی در فعالیت‌های اقتصادی خود از برنامه ریزی بهره می‌گیرند، حتی کشورهای سرمایه‌داری برای تنظیم بازار و تولید کالاها و خدمات عمومی، از برنامه ریزی استفاده می‌کنند. هدف اصلی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه یعنی رشد به علاوه تحولات کیفی و نهادی بلندمدت می‌باشد (ملکی، ۱۳۸۸: ۲۳۵).

گفتار سوم: برنامه‌ریزی اقتصادی در ایران

ایران از جمله کشورهایی است که دولت برای شکستن دور باطل فقر و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، رو به برنامه‌ریزی اقتصادی آورد. برنامه‌ریزی کلان در ایران قدمتی شصت ساله

دارد و پیدایش آن به دوره پس از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد. در ایران تدوین برنامه‌های عمرانی در دوره پیش از انقلاب اسلامی، از سال ۱۳۲۷ شروع شد و با اجرای دو برنامه هفت ساله و سه برنامه پنج ساله ادامه یافت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با پایان یافتن جنگ تحمیلی و شروع دهه دوم انقلاب و ضرورت ایجاد تحول در اقتصاد کشور و بازسازی اقتصاد آسیب دیده، تدوین برنامه توسعه کشور در قالب برنامه‌های پنج ساله از سال ۱۳۶۸ شروع شد که تا سال ۱۳۹۰، پنج برنامه توسعه در کشور تصویب و اجرا شد.

در عصر جهانی شدن، شرط توفیق برنامه‌های کلان توسعه ملی، تعامل سازنده با روندها و جریان‌های اصلی جهانی است. رشد سریع فناوری، جهانی شدن تولید، آزادسازی سیاست‌های اقتصادی در خصوص تجارت و سرمایه‌گذاری، شرایط، ضرورت‌ها و الزام‌های برنامه‌های توسعه را تغییر داده است. جهانی شدن اقتصاد با ارزش‌ها و هنجارهای خود، نوعی روابط اقتصادی را پدید آورده که دولت جمهوری اسلامی ایران را نسبت به فرآیندهای اقتصادی جهانی متعهد ساخته و این طرز تلقی دولت از منافعش موجب موضعی مبتنی بر همکاری، هم از لحاظ منطقه‌ای و هم از لحاظ بین‌المللی شده است.

الف) برنامه اول توسعه (۱۳۷۲-۱۳۶۸)

برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوره ۱۳۷۲-۱۳۶۸، با انتخاب راهبرد «آزادسازی اقتصادی» آغاز شد. این برنامه از نظر زمانی، همزمان با آغاز عصر جهانی شدن می‌باشد. هدف اصلی این برنامه آن بود که با سرمایه‌گذاری دولت در زمینه بازسازی خسارت‌های جنگ تحمیلی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های موجود، روندهای منفی اقتصادی حاکم را به نفع ایجاد رشد اقتصادی در کشور تغییر دهد و بستر تداوم رشد در آینده را فراهم کند. از این رو، برنامه اول توسعه به «برنامه سازندگی» شهرت یافت که مرکز ثقل برنامه بود. جهت‌گیری اصلی این برنامه، آزادسازی اقتصادی و بازسازی زیربنای خسارت دیده ناشی از جنگ تحمیلی بود. در این راستا، رشد اقتصادی از اساسی‌ترین نیازهای توسعه ملی به شمار آمد و سیاست‌های اقتصادی برای افزایش تولید در دستور کار قرار گرفت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹).

ب) برنامه دوم توسعه (۱۳۷۸-۱۳۷۴)

استراتژی اصلی برنامه دوم توسعه، تثبیت دستاوردهای برنامه اول توسعه، ایجاد ثبات در روندهای اقتصادی کشور و کاهش بار سنگین تحولات اقتصادی بر جامعه بود. این برنامه از جهت ساختار و ماهیت، تفاوتی با برنامه اول نداشت و مبتنی بر آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی بود. برنامه دوم نیز رشد و توسعه اقتصادی را از اصلی ترین اهداف خود می دانست و تاکید خاصی بر پایداری آن داشت. «برنامه ثبات اقتصادی» عنوان دیگر برنامه دوم توسعه بوده است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵).

ج) برنامه سوم توسعه (۱۳۸۳-۱۳۷۹)

مشکلات ساختاری برنامه اول و دوم توسعه، نگاه اجتماعی به مسائل اقتصادی در داخل و سیاست تنش زدایی در روابط بین الملل و بهبود روابط در اوپک و ارائه طرح ساماندهی اقتصاد در سال ۱۳۷۷، منجر به شکل گیری سرمشق اصلاح ساختار اقتصادی با رویکرد داخلی در برنامه سوم توسعه شد. از این رو، مهم ترین ویژگی برنامه سوم توسعه، سعی در فراهم ساختن الزام های تحقق یک توسعه پایدار بود. براین اساس، برنامه سوم با راهبرد اصلاحات اقتصادی مبتنی بر رویکرد «توسعه اقتصادی رقابتی» از طریق حرکت به سمت آزادسازی اقتصادی همراه با شکل گیری نظام جامع تأمین اجتماعی و اصلاحات قانونی و نهادی و لغو انحصارات برای فراهم شدن زمینه های مشارکت بخش خصوصی و کاهش تصدی گری دولت، طراحی و تدوین شد. از این رو، برنامه سوم توسعه به «برنامه اصلاح ساختاری» نیز مشهور شد که این موضوع، نقطه اتکاء و مرکزی برنامه سوم به شمار می آمد. جهت گیری اصلی این برنامه، اصلاحات ساختاری و نهادی به منظور آزادسازی و خصوصی سازی بود. اصلاح محیط کسب و کار، مقررات زدایی از فرآیند سرمایه گذاری، تقویت قدرت رقابت پذیری از طریق حرکت به سمت آزادسازی نظام قیمت ها و تعیین قیمت بر مبنای ساز و کار بازار به عنوان ابزار تخصیص بهینه منابع، از راهبردهای این برنامه محسوب می شد. یکسان سازی نرخ ارز، آزادسازی تجارت و حذف موانع غیر تعرفه ای، تخصیص رقابتی منابع بانکی، تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی، تشکیل حساب ذخیره ارزی و حذف یارانه انرژی از مقوله های اصلاح نظام قیمت ها به شمار

می‌آمد که در برنامه سوم توسعه بر آنها تاکید شده بود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۰).

د) برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴)

مهم‌ترین ویژگی برنامه چهارم توسعه، تهیه و تصویب آن در چارچوب سند چشم‌انداز بیست ساله و پس از ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی بود. هدف از این نوع برنامه‌ریزی، نگاه فعال و آینده‌ساز به مسائل بود که لازمه آن، حرکت بر پایه مدیریت چشم‌انداز است. در چارچوب چشم‌انداز، برنامه‌ریزی‌ها و حرکت‌های فردی و اجتماعی در راستای آینده‌سازی جهت‌گیری شده است. در این چارچوب، تمام قلمروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی به‌صورت یک کلیت مطرح شده است. همچنین تحولات صورت گرفته در نظم جهانی به‌خصوص در عرصه اقتصاد و مطرح شدن مباحثی مانند همگرایی سیاست‌ها، جهانی شدن تولید، نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی، بهره‌مندی از علوم و فناوری پیشرفته، دگرگونی در قلمرو فعالیت دولت، الزام‌ها و قانونمندی‌های مهم در نظم جدید جهانی، موجب شد در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تأکید بر ادامه سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه سوم توسعه، پایه‌های جدیدی برای تغییر در روند توسعه کشور پیش‌بینی شود (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳).

و) برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

برنامه پنجم توسعه با هدف عدالت محوری برای سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰ تدوین و با تصویب مجلس به‌صورت قانون درآمد. در سیاست‌های کلی این برنامه اصول و اهدافی به چشم می‌خورد که متأثر از شاخص‌های جهانی شدن است، از جمله: استفاده بهینه از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای تحقق اهداف فرهنگی نظام، توسعه سرمایه‌گذاری داخلی و جذب منابع و سرمایه‌های خارجی، گسترش فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی و سواحل جنوبی و جزایر با استفاده از ظرفیت‌های بازرگانی خارجی کشور، تقویت همکاری‌های دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی با اولویت کشورهای همسایه (معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، ۱۳۸۹: ۱۶-۸).

گفتار چهارم: جهانی شدن و برنامه ریزی اقتصادی در ایران

جهانی شدن اثرات متعددی بر وضعیت اقتصادی کشورها می گذارد، و گام اول در جهانی شدن ایجاد فضای باز اقتصادی و خصوصی سازی است. در فرآیند آزادسازی عوامل تولید، تکنولوژی و اطلاعات، آزادانه از مرزهای جغرافیایی عبور می کنند و محصولات تولیدی نیز آزادانه به بازارهای مختلف راه می یابند. آزادسازی باعث گردش سریع منابع مالی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی می شود که علاوه بر آن که قابلیت تولید کالاها و خدمات در کشور جذب کننده سرمایه را بالا می برد، منبع درآمد اضافی برای کشور میزبان نیز هست. تجارت آزاد منجر به شکل گیری نظام تولید کشورها بر پایه مزیت نسبی شده و به تبع آن، از منابع موجود در کشورها به نحو کارآمدتری استفاده می شود. پیش از انقلاب اسلامی، دیدگاه های اقتصادی تأکید بر نقش دولت در اقتصاد داشت. لذا دولت با ایجاد انحصارات گوناگون جایگزین و رقیب بخش خصوصی شد و به عنوان یک انحصارگر بزرگ در عرصه اقتصاد ایران فعالیت کرد. در برنامه عمرانی اول، دوم و سوم هدف افزایش تولید و صادرات و تأمین مایحتاج مردم بود که متناظر با آن، دولت به توسعه و ایجاد زیر ساخت ها پرداخت و با اعطای اعتبارات به بخش خصوصی در طول این دوره، تا حدی از ضعف این بخش کاسته شد. در برنامه عمرانی چهارم، جهت گیری به سمت صنعتی کردن ایران پیش رفت و دولت سرمایه گذاری های گسترده ای در بخش صنعت انجام داد و به تدریج در برنامه عمرانی پنجم نقش دولت در اقتصاد بسیار پررنگ تر از بخش خصوصی شد. نقش بخش خصوصی به لحاظ ضعیف بودن و همچنین عمومی بودن کالاهای مشمول سرمایه گذاری، قادر به اجرا نبود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با ملی شدن صنایع، حوزه مداخله های دولت گسترش یافت و فرآیند ملی سازی بسیاری از بخش های اقتصاد از جمله بانک ها، شرکت های بیمه و برخی صنایع بزرگ، همچنین واگذاری مالکیت واحدهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی به نهادهای انقلابی رخ داد. با این کار، دولت عملاً امور اقتصاد را به طور متمرکز بدست گرفت و تا پایان جنگ عهده دار تمامی امور شد. اگرچه در سال های اولیه انقلاب با تفسیری مضیق از اصول ۴۴ و ۸۱، میدان فعالیت اقتصادی برای بخش خصوصی و خارجی بیش از یک دهه تنگ شد ولی بعد از پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷، چرخشی تدریجی در دیدگاه های اقتصادی نسبت به جایگاه دولت در اقتصاد و

نقش بخش خصوصی، حتی خارجی در کشور شکل گرفت. به موازات تفاسیر بعمل آمده از اصل ۴۴ قانون اساسی به منظور کاهش اعمال تصدی دولت در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور، از سال ۱۳۶۸ به بعد تغییر و تحول در تفسیر از اصل ۸۱ قانون اساسی که ناظر بر فعالیت شرکت های خارجی در ایران است، کاستن از اعمال تصدی دولت و محدود ساختن آن به اعمال حاکمیت یعنی تنظیم جهت‌گیری‌ها و برنامه‌های توسعه و ایفای نقش ارشادی در اقتصاد کشور، زمینه را برای فعالیت بخش خصوصی فراخ تر از گذشته فراهم ساخت. چنانکه در بحث شاخص‌های جهانی شدن اقتصاد بیان شد، صادرات کالا و خدمات به‌عنوان موتور محرکه اقتصاد و رمز بقای کشورها در بازارهای جهانی نقش مهمی در عرصه اقتصاد جهان ایفا می‌کند، زیرا تجارت خارجی و افزایش صادرات تأثیر مستقیمی بر درآمدهای ارزی کشور دارد و امکان سرمایه‌گذاری برای قرار گرفتن در مسیر رشد و توسعه را فراهم می‌آورد. در سال های اخیر علی‌رغم فراز و نشیب‌های ناشی از تحولات اقتصادی داخلی و بین‌المللی، تلاش‌های فراوانی در جهت توسعه صادرات کشور انجام شده است. صادرات غیر نفتی همواره از مهمترین مسائل مورد نظر دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران اقتصادی کشور بوده و توجه خاصی را در برنامه‌های اول و دوم و سوم توسعه کشور به خود معطوف داشته است. همچنین در برنامه چهارم توسعه میزان صادرات غیر نفتی کشور در سال پایانی برنامه می‌بایست به ۵۲/۸ میلیارد دلار می‌رسید که این رقم در مقایسه با سال قبل، ۸۴٪ از رشد ۷۰ درصدی برخوردار بوده است. هدف گذاری برنامه چهارم توسعه نیز نسبت به برنامه سوم از یک جهش ۸۷ درصدی برخوردار بود و از ۲۸/۲ میلیارد دلار به ۵۹/۹ میلیارد دلار رسیده است. نکته قابل توجه در ارتباط با تغییرات صادرات غیر نفتی طی دهه ۱۳۷۰، جهش برنامه‌های صادراتی غیر نفتی، در بخش خدمات بوده است. هرچند که به این تغییر در برنامه اول توسعه توجه چندانی نشده است، از مهمترین برنامه‌های دولت در برنامه دوم توسعه تشویق صادرات با توجه به مزیت‌های نسبی کشور و ایجاد رقابت با دنیای خارج به‌منظور توسعه کمی و کیفی فناوری داخلی بوده است. همچنین در برنامه سوم و چهارم توسعه، توسعه صادرات از روند فزاینده‌ای برخوردار بوده است. این افزایش در عمل از سال ۱۳۷۵ چشمگیر بود و حتی طبق آمار بدست آمده، کشورهای عضو اسکاپ و اتحادیه اروپا مهمترین طرف‌های تجاری ایران در زمینه صادرات به‌شمار می‌روند. صادرات غیرنفتی که بعنوان راهبردی‌ترین فصل قانون برنامه چهارم با هدف تعامل با اقتصاد جهانی تدوین و مصوب

گردیده است، و نیز با توجه به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور صادرات غیرنفتی، باید به گونه‌ای افزایش یابد که باعث کاهش اتکای کشور به صادرات نفتی شود، بنابراین دولت باید در جهت حضور فعال صادرکنندگان در بازارهای جهانی تلاش کند.

در راستای برنامه‌های توسعه از جمله خط‌مشی‌های سازمان توسعه تجارت با رویکرد کاهش هزینه در بخش توسعه صادرات غیر نفتی، مواردی چون پرداخت مشوق‌های صادراتی، پرداخت یارانه‌های صادراتی، تسهیلات ارزان قیمت صادراتی و معافیت مالیاتی برای صادر کنندگان تولیدکننده، تنوع بخشی بازارهای هدف صادرات کشور و تصویب قوانین و مقررات صادراتی، اعزام هیأت‌های تجاری و بازاریابی، آموزش تخصصی بازاریابی و خدمات تخصصی بازاریابی، طرح ارتقاء کیفیت کالاهای صادراتی، همکاری موسسه استاندارد و سازمان توسعه تجارت ایران و گروه‌های کنترل‌کننده کیفیت کالاهای صادراتی در گمرکات با محوریت برنامه‌های توسعه می‌توان اشاره کرد.

همانطور که پیش تر بیان شد، یکی از مهمترین محورهای جهانی شدن را می‌توان افزایش رقابت در سطح جهانی دانست. با گسترش توافق‌های بدست آمده در مذاکرات گات و کاهش تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای، رقابت گستردگی بیشتری پیدا کرده است. رقابت روش تخصیص منابع بین تولید کنندگان و فعالان اقتصادی از یک طرف و بین سیاستمداران برای جلب رضایت مردم از طرف دیگر است، و مهمترین اهرم ارتقاء کارایی و بهره‌وری است. در یک بازار رقابتی، تولید حداکثر و سود حداقل می‌شود و هیچ کس در بازار قیمت ساز نیست. اما رقابت در چارچوب معین قانونی و نهادی انجام می‌پذیرد و یک سازماندهی مطلوب اجتماعی است و شکل مبارزه برای بقاء در جوامع بدوی به خود نمی‌گیرد، بلکه بر اساس اصول و در چارچوب قانونی و شناخته شده بین‌المللی انجام می‌پذیرد. در برنامه‌های اول تا پنجم توسعه نیز زمینه‌های لازم برای گسترش رقابت‌پذیری صنایع با حذف معافیت‌های خاص تعرفه‌ای و ایجاد مقررات ضد دامپینگ، عضویت در سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی و ایجاد شرایط رقابتی بانک‌ها و گسترش بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز داخلی و ایجاد حمایت‌های منطقی و متناسب با شرایط جهانی بر اساس روند تغییرات تعرفه در سطح بین‌المللی جهت ایجاد شرایط رقابت بین‌المللی و بکارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور تقویت نظام‌های حقوقی، اقتصادی، بازرگانی و فنی مناسب در جهت رشد رقابت‌پذیری اقتصاد، مشارکت فعال در تدوین

استانداردهای بین‌المللی و افزایش مستمر انطباق محصولات با استانداردهای بین‌المللی مصوب شده است.

همانطور که در بحث رشد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیان شد، جریان سیال و متحرک سرمایه، امروزه جدیدترین نمود جهانی شدن اقتصاد است. سرمایه‌گذاری خارجی، پیامدهای مثبت و قابل توجهی به دنبال دارد، طوری که باعث افزایش اشتغال، افزایش درآمد ملی و به خدمت گرفتن منابع معطل مانده داخلی می‌شود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ابزاری است که به کمک آن نه تنها جریان سرمایه بلکه فناوری و مهارت‌های مدیریتی را به کشور میزبان سرازیر می‌کند و کشورها می‌توانند به درآمدهای صادراتی نیز دست یابند. در ایران با پیروزی انقلاب اسلامی به سبب شرایط حاکم بر جامعه و جنگ تحمیلی، تا آغاز برنامه اول توسعه به دلیل چالش‌های موجود در قانون اساسی، استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی مورد توجه قرار نگرفت. با پایان یافتن جنگ، با توجه به کمبود منابع داخلی جهت سرمایه‌گذاری و پایین بودن سطح فناوری در کشور، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زیر سایه قانون جلب و پشتیبانی از سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفت. در زمان تدوین برنامه اول توسعه، تحول به دلیل صدها میلیارد دلار خسارت وارده به سخت‌افزارهای اقتصادی کشور، فقط به اتکاء منابع داخلی ممکن نبود و از این رو برنامه توسعه با رویکرد جذب سرمایه‌گذاری و سرمایه خارجی تدوین شد. در برنامه دوم توسعه تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، میزان طرح‌های سرمایه‌گذاری شده پذیرفته شده در سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ معادل ۲/۴ میلیارد دلار بوده که بیش از ۵۰ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی پذیرفته شده در طول سال‌های ۸۲-۱۳۷۲ بوده است. همچنین ماده ۱۲۴ و ۱۳۰ قانون برنامه سوم توسعه، به دولت اجازه می‌دهد تا در جهت رشد و شکوفایی اقتصاد کشور، در زمینه‌های هوانوردی و خدمات فرودگاهی و مخابرات و حتی در سایر بخش‌ها از جمله نفت و گاز و پتروشیمی، صنایع و معادن قراردادهای را با مشارکت شرکت‌های خارجی ببندد. پیرو این تحولات، قانون جلب و پشتیبانی سرمایه‌گذاری خارجی نیز تأیید شد. در راستای انجام اصلاحات در ساختار اقتصادی کشور، مجلس ایران طرح قانون جدید سرمایه‌گذاری خارجی را پیشنهاد نمود که در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید و جایگزین قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی که از سال ۱۳۳۴ حاکم بود، گردید. این جایگزینی موجب توسعه چارچوب قانونی و محیط فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی در ایران

گردیده و با تصویب این قانون میزان سرمایه‌گذاری خارجی افزایش چشمگیری یافته است. برای تحقق اهداف در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (برنامه چهارم توسعه) سرمایه مورد نیاز از منابع سرمایه‌گذاری داخلی یا از راه منابع سرمایه‌گذاری خارجی تأمین گردید. تدوین قانون جلب سرمایه‌گذاری خارجی با رعایت همه جوانب در بند ۲۹ سند چشم‌انداز به روشنی پافشرده است: «بهره‌گیری از پیوندهای سیاسی با کشورها برای نهادینه کردن روابط اقتصادی، افزایش جذب منابع و سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری پیشرفته و گسترش بازارهای صادراتی و افزایش سهم ایران از تجارت جهانی و رشد پرشتاب اقتصادی مورد نظر چشم‌انداز لازم است». با توجه به اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از مهمترین منابع تأمین سرمایه‌گذاری‌هاست، جذب آن می‌بایست در اولویت دولت جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، انقلاب جدیدی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشورهای مختلف جهان ایجاد کرده است و علاوه بر اینکه موجب بهبود کیفیت زندگی و افزایش سطح رفاه شده، از جمله عوامل مهم مؤثر بر رشد اقتصادی نیز بوده است. در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای جهان، اقدامات درخور توجهی در جهت گسترش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و افزایش دسترسی به آن صورت گرفته است.

هزینه‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات نیز نقش چشم‌گیری در تولید علم و فناوری داشته و موجب دسترسی بیشتر به منابع علمی و استفاده از آن برای ابداع روش‌ها و محصولات جدید و در نتیجه افزایش سطح رفاه و بهبود وضعیت اقتصادی می‌شود. همچنین رشد شتابان فناوری اطلاعات در دو زمینه «تولید محصولات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری» و «تجارت الکترونیک» عرصه نوینی را در فعالیت‌های اقتصادی کشورها باز کرده است. امروزه تولیدات محصولات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، بویژه با گسترش رایانه‌های خانگی حجم عظیمی از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده و به موازات آن، تجارت الکترونیک نیز بصورت فزاینده در حال گسترش است. پیشرفت عظیم در حوزه فناوری و ارتباطات به تدریج همگرایی اقتصادهای ملی و محلی را با اقتصاد جهانی تسهیل ساخته و بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی را به شبکه اقتصاد جهانی اتصال داده است. ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و طی سال‌های اخیر تلاش‌های بسیاری در زمینه پیشرفت‌های علمی و فناوری صورت گرفته و سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً خوبی انجام داده

است. روند رشد هزینه‌های ICI ایران در طول دوره ۲۰۰۰-۲۰۰۲ نسبت به دیگر کشورهای منطقه بسیار بیشتر بوده است.

با توجه به گسترش ارتباطات در دنیای امروز و تسلط بخش خدمات بر اقتصاد کشورها، این هزینه‌ها می‌تواند بیانگر گسترش بخش خدمات و تقویت اقتصاد کشور باشد به‌ویژه که در جهان آینده، اکثر امور افراد توسط سیستم‌های ارتباطی نظیر تلفن، اینترنت، ایمیل صورت خواهد گرفت. بطور مثال، امروزه مبادلات ارز، سهام، فعالیت‌های بانکی و بسیاری امور دیگر از طریق شبکه اینترنت و ارتباطات صورت می‌گیرد.

روند جهانی شدن و ادغام اقتصادی، کشورها را وادار به همکاری گسترده‌ای نموده و وابستگی اقتصادی میان ملت‌ها افزایش یافته است. ایجاد بلوک‌های منطقه‌ای تجاری و تولیدی که به منزله پل ارتباطی بین اقتصادهای ملی و اقتصادهای بزرگ و پیشرفته در فرآیند تحولات اقتصادی بین‌المللی محسوب می‌شوند، راه را برای همگرایی هر چه بیشتر سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی هموار ساخته است. دولت ایران نیز از این امر مستثنی نبوده و در برنامه‌های اول تا سوم توسعه قوانینی در جهت گسترش همکاری‌های دو جانبه و بین‌المللی و ادامه پرهیز از تشنج در روابط با جهان و بهره‌گیری از این روابط برای افزایش توان ملی مصوب کرده است. همچنین در برنامه چهارم توسعه در قالب سند چشم‌انداز تحولات صورت گرفته در نظم جهانی در عرصه اقتصادی و مطرح شدن مباحثی مانند همگرایی سیاست‌ها، جهانی شدن تولید، نظام جدید تقسیم کار بین‌المللی، بهره‌مندی از علوم و فناوری پیشرفته، دگرگونی در قلمرو فعالیت دولت، الزام‌ها و قانونمندی‌های مهم در نظم جدید جهانی، موجب شد در برنامه چهارم توسعه علاوه بر تأکید بر ادامه سیاست‌های اصلاح ساختاری برنامه سوم توسعه، پایه‌های جدیدی برای تغییر در روند توسعه کشور پیش‌بینی شود.

عوامل کلیدی در خصوص جهانی شدن اقتصاد ایران را در جهت‌گیری پنج برنامه توسعه پس از انقلاب خصوصاً برنامه سوم و چهارم می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- جذب سرمایه و فناوری خارجی؛
- بروز مزیت‌های رقابتی، توسعه صادرات غیر نفتی و کاهش اتکاء به صادرات نفت خام؛
- رقابتی شدن اقتصاد و افزایش رفاه مصرف‌کنندگان؛
- ایجاد تعامل منطقی بین سیاست، اقتصاد و فرهنگ؛

- تسریع در اصلاحات ساختاری؛
- ارتقاء سطح علمی تصمیم گیری‌ها و طراحی فرآیند کارآمد تصمیم سازی و تصمیم گیری ملی
- فراهم ساختن زمینه برای جلب سرمایه و انتقال فناوری‌های خارجی و تقویت سیاسی؛
- تنش زدایی در زمینه‌های همگرایی؛
- حضور فعال در پیمان‌های منطقه ای و جهانی؛
- تسهیل و تسریع در خصوصی سازی و لغو انحصارات و اصلاح قوانین و مقررات و ...

نتیجه گیری

از آنجا که در جهان جدید، تحقق توسعه در واحدهای ملی از راه تعامل سازنده با اقتصاد جهانی سهل تر و وسیع تر صورت می‌گیرد، هر دولتی که توسعه را به‌عنوان یک ضرورت و یک هدف در الزامات سیاست خود پذیرفته است، باید با عناصر اقتصاد جهانی تعامل سازنده و فعالی برقرار کند. به‌عبارت دیگر، تحولات بین‌المللی و جهانی شدن اقتصاد؛ فرصت‌ها، امکانات و هزینه‌هایی را به همراه دارند و کشورهای در حال توسعه باید درصدد بهره‌گیری از فرصت‌ها و امکانات بین‌المللی باشند و هزینه‌های آن را به حداقل برسانند. مسلم است که توسعه اقتصادی کشورها در قرن بیست و یکم نیازمند پیوندهای نیرومند با اقتصاد جهان می‌باشد و کشوری که نتواند پیوندهای استوار با اقتصاد جهانی برقرار کند، امکان چندانی برای پیشبرد توسعه ندارد و توسعه تنها در متن تحولات جهانی، در دسترس است.

ایران و کشورهای در حال توسعه از جهانی شدن تأثیر می‌پذیرند. بنابراین، داشتن استراتژی و برنامه مناسب و استفاده از روش‌های علمی برای ورود به اقتصاد جهانی الزامی است تا از تبعات منفی جهانی شدن اقتصاد کاسته شود. اقتصادهای ملی به‌منظور مواجهه با چالش‌های اقتصاد جهانی و برای جلوگیری از عقب ماندگی در عرصه رقابت جهانی، ناگزیر از بازسازی خود می‌باشند و به همین دلیل باید به مزیت‌های نسبی و رقابتی خود اهمیت بیشتری بدهند. با توجه به فرآیندی که کل جهان طی می‌کند، دور ماندن از آن نه امکان‌پذیر و نه به صلاح اقتصادهای ملی است، امری که سیاستمداران و برنامه ریزان اقتصاد کلان جمهوری اسلامی ایران نیز از آن غافل نبوده‌اند.

تأثیرات جهانی شدن اقتصاد در برنامه‌ریزی توسعه در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۹۰، در مواردی همچون ورود به سازمان تجارت جهانی، خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی، استانداردسازی مالی، ایزو و کنترل کیفیت، مقررات‌زدایی، تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار، افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همگرایی تخصص‌ها و فعالیت‌های مختلف تجلی یافته و تغییرات عمده‌ای در عرصه‌های مالی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری پدید آورده است. برنامه‌ریزان ایران دریافتند که بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی شدن نیازمند پیگیری برخی اصلاحات (به‌ویژه اصلاحات ساختاری) در نظام اقتصاد ملی بوده است. این اصلاحات عمدتاً در برنامه‌های توسعه اقتصادی با هدف توانمندسازی اقتصادی کشور از طریق ارتقای قدرت، کسب ثروت و درآمد بیشتر انجام شد. هر چه از برنامه‌های اولیه توسعه اقتصادی در دوره ۱۳۹۰-۱۳۶۸ به پیش می‌رویم، شاخص‌ها و ضرورت‌های جهانی شدن به‌طور جدی‌تری در فرایند برنامه‌ریزی و نیز برنامه‌های تدوین شده (خصوصاً برنامه‌های سوم و چهارم)، مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین میزان تأثیرپذیری برنامه‌های توسعه از جهانی شدن طی سال‌های مزبور بسیار چشمگیر بوده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بهکیش، محمدمهدی (۱۳۸۰). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- خور، مارتین (۱۳۸۳). جهانی شدن و جنوب، ترجمه احمد ساعی. تهران: قومس.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۹). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸). تهران: مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۵). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۷۸-۱۳۷۴). تهران: مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۰). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹). تهران: مرکز مدارک علمی و انتشارات.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴)، تهران: مرکز مدارک علمی، موزه و انتشارات.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۶۹). توسعه، جهان سوم و نظام بین‌الملل. تهران: سفیر.
سلیمی، حسین (۱۳۸۶). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن. تهران: انتشارات سمت.
شیرزادی، رضا (۱۳۸۶). نوسازی، توسعه، جهانی شدن. تهران: انتشارات حق یاوران.
قره باغیان، مرتضی (۱۳۷۰). اقتصاد رشد و توسعه، جلد اول. تهران: نشر نی.
معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور (۱۳۸۹). مجموعه برنامه پنج ساله جمهوری اسلامی ایران. تهران: معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور.
ملکی، بهنام (۱۳۸۸). توسعه اقتصادی و برنامه ریزی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
نهادوندیان، محمد (۱۳۸۳). ما و جهانی شدن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
واترز، مالکوم (۱۳۷۹). جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

(ج) منابع انگلیسی

I.M.F. (۲۰۰۷). **International Financial Statistics**. Washington D.C: I.M.F.
UNCTAD. (۲۰۰۴). **Globalization and Development Facts and Figures**.
New York: United Nations.